

جوان و ازدواج

<"xml encoding="UTF-8?">

زمان و با رشد فیزیکی جسم، نیرومندتر می شود و سرانجام به صورت میل و غریزه جنسی، ظهور و بروز پیدا می کند. به همراه بلوغ جنسی، سایر غرایز خفته نیز در وجود جوان بیدار می شود. بلوغ، عواطف و احساسات جوان را شکوفا می کند، او را با دنیای جدیدی آشنا می سازد و جوان در خود احساس تازه ای را می بیند. غریزه جنسی، يك خواسته طبیعی است که باید به درستی و به طور صحیح به آن پاسخ داده شود، زیرا در غیر این صورت، اثرات نامطلوبی را در پی خواهد داشت. همان طور که نمی توان این خواسته طبیعی و خدادادی را نادیده انگاشت و یا آن را سرکوب کرد، چرا که باعث بروز بحران های روحی و اخلاقی در فرد می شود، همان گونه نیز نمی توان آن را بی قید و شرط و آزاد گذاشت، زیرا آدمی را به منجلا ب فساد اخلاقی می کشاند و از راه صحیح زندگی خارج می کند.

منطقی نیست که بگوییم این میل، تنها برای لذت جویی و هوس رانی است، چرا که غرض خداوند از ایجاد این کشش و جاذبه جنسی، علاوه بر لذت جویی زن و مرد از يك دیگر، تولید و بقای نسل، ایجاد مهر و محبت و آرامش و سکون روح و روان هر يك از آنان است که با ازدواج میسر است.

ازدواج در اسلام

اسلام با در نظر گرفتن نیازهای واقعی و طبیعی انسان از يك سو و با عنایت به مصالح فرد و اجتماع از دیگر سو، ازدواج را به عنوان بهترین راه و مناسب ترین شیوه برگزید. اسلام، آدمی را از تنهایی و تجرد نهی می کند و برای تأمین و ارضای غریزه جنسی او، ازدواج را راه کار عملی می داند و حتی در مواردی که خطر انحراف و فساد وجود دارد، ازدواج را بر او واجب و ضروری می داند.

در اهمیت ازدواج که پیامبر اسلام(ص) فرمود: (من تزوّج احرز نصف دینه؛ کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است).¹ و نیز فرمود: (النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی؛² ازدواج سنت من است، پس هرکس از سنت من روی گردان شود از من نیست).

وقتی که غریزه جنسی از راه صحیح و شرعی ارضا شود و روح پر اضطراب انسان اعتدال و آرامش یابد، حقایق زندگی را بهتر درک می کند و به سوی دین و سعادت خود، گام های بزرگ تری برمی دارد.

فلسفه ازدواج

شاید بعضی افراد هنگام ازدواج این سؤال در ذهنشان نقش ببندد که چرا انسان ازدواج می کند و به عبارت دیگر، فلسفه ازدواج چیست؟

خداوند سبحان در قرآن مجید فلسفه ازدواج را آرامش روح و روان و ایجاد پیوند دوستی و محبت بیان می کند و این را از نشانه های خود می خواند: (ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة؛³ از نشانه های او این است که برای شما همسر آفرید تا با او آرام بگیرید و میان شما مهر و محبت قرار داد).

انتخاب همسر

اسلام انتخاب همسر را به عهده هریک از پسر و دختر گذاشته تا با واقع بینی، مآل اندیشی، تفکر و مشورت با والدین و افراد مطمئن، همسر خود را انتخاب کنند. جوانی که هنوز فراز و نشیب های زندگی و سختی ها و مشکلات فرا روی آن را به طور کامل تجربه نکرده، نباید خود را بی نیاز از مشورت با خانواده و بزرگ ترها بداند. ضمن این که بزرگان خانواده نیز نباید به حقوق فرزندان خود بی اعتنا و بی تفاوت باشند. البته پدر و مادر و بزرگان باید راهنمای آنان باشند، اما تصمیم گیری نهایی را باید خود پسر و یا دختر بگیرند.

عن ابن ابی یعفور عن ابی عبدالله (ع) قال: (قلت له: انی ارید ان اتزوج امرأة و إنّ ابویّ اراد ان یتزوج التی هویت ودع التی یهوی ابواک؛⁴ ابن ابی یعفور می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: من می خواهم با زنی ازدواج کنم، ولی پدرم و مادرم زن دیگری را می خواهند به همسری من درآورند. امام (ع) فرمود: زن دل خواه خود را بگیر و آن زنی را که پدر و مادرت می خواهند، ترک کن.)

آثار ازدواج

ازدواج آثار فردی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی دارد. از نظر فردی، انسان متأهل، احساس مسئولیت می کند و چشمش از نگاه به نامحرم پاک می شود و قلب سلیم پیدا می کند. پیامبر (ص) فرمود: (هرکدام از شما توانایی دارید همسر اختیار کنید، زیرا ازدواج، چشم را از نامحرم بهتر می پوشاند و پاک دامنی نیکوتری می بخشد.)⁵

از نظر اجتماعی نیز ازدواج پیامدهای مثبتی دارد. کاهش فسادهای اخلاقی و جنسی، تضمین سلامت روانی افراد، ایجاد محیطی امن و آرام برای یکایک اشخاص و... از جمله آثار و فواید مثبت ازدواج است.

معیارهای گزینش همسر

یکی از معیارهای مهم در گزینش همسر، مسئله هم شأن بودن دختر و پسر است. اسلام به هم شأن بودن دختر و پسر در امر ازدواج تأکید کرده و با واژه (هم کفو) از آن یاد کرده است؛ یعنی دختر و پسر باید از نظر دین، اخلاق، فرهنگ و اصالت خانوادگی هم سنگ و همانند هم باشند. متأسفانه بعضی خانواده ها به معیارهای غیر صحیح و ساختگی از جمله: ثروت، مقام و شغل، ماشین، خانه و غیره اهمیت بیشتری می دهند و معیارهای صحیح و اصولی را فرع بر آن ها می دانند. طبیعی است که با چنین نگرشی، زندگی استحکام و دوام طولانی نخواهد داشت. دین، اصول زندگی و اخلاق، رکن بهزیستی است. دختر و پسر دین دار و با اخلاق، شایسته یک دیگریند و در صورت ازدواج، سعادت مند خواهند شد. ازدواج خوب و شایسته همواره مایه آرامش روح و روان و آسایش جسم و جان است و اساس خوش بختی و سعادت دختران و پسران را بنیان می نهد و زندگی آنان را پایدار می سازد. اگر دختر و پسر هم شأن نباشند و تن به ازدواج دهند، نگرانی ها و ناراحتی های فراوانی را به وجود می آورند. مگر این که یکی هم رنگ دیگری شود و با بی اعتنائی به معیارهای اصولی، بنیان خانواده را بنا کنند، که البته چنین زندگی ای همانند ساختمانی است که پایه آن را کج بنا نهاده اند و هر لحظه احتمال ریزش دارد.

منابع

1. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، استاد شهید آیة الله مطهری.
2. نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید آیة الله مطهری.

3. جوان از نظر عقل و احساسات, مرحوم محمدتقی فلسفی.
4. بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات, مرحوم محمدتقی فلسفی.
5. ازدواج در اسلام, آیه‌الله مشکینی.
6. آیین همسردهی, آیه‌الله امینی.

پاورقیها:

- 1 - اصول کافی, ج5, ص328, حدیث.2
- 2 - بحارالانوار, ج103, ص.220
- 3 - روم(30) آیه .21
- 4 - اصول کافی, همان, ص401, حدیث.1
- 5 - مستدرک الوسائل, ج2, ص531, حدیث.21